

## مردن از گرسنگی به منظور داشتن «اندام مطلوب»<sup>۱</sup>

از مقایسه این دو عکس از شباهت گونه فرورفته و اندام لاغر این دو نفر متحیر می‌شویم. زندگی نوجوان سومالیایی بر اثر کمبود غذا به خطر افتاده است در حالی که دختر جوان بریتانیایی به‌رغم وفور غذا به اراده خود گرسنگی می‌کشد. شرایط اجتماعی این دو مورد کاملاً متفاوت است.

گرسنگی ناشی از کمبود غذا بر اثر عواملی است که از دست انسان خارج است و فقط مردم بسیار فقیر گرسنه می‌مانند. اما دختر بریتانیایی که در یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان زندگی می‌کند مبتلا به بیماری بی‌اشتهایی است که منشأ جسمانی‌اش ناشناخته است. این دختر که فقط در فکر لاغری است و تصور آشفته‌ای از بدن خویش دارد چنان بی‌نظمی‌ای در خوردن پیشه کرده که زندگی‌اش به خطر افتاده است. بی‌اشتهایی و سایر بی‌نظمی‌ها در خوردن همانا بیماری جامعه مرفه است و در کشورهای دچار کمبود غذا ناشناخته است. موضوع پرداختن به بدن پیش‌تر موضوعی مربوط به پزشکی و بیولوژی به حساب می‌آمد و فقط به تازگی است که موضوعی در خور مطالعه جامعه‌شناسان به شمار می‌آید.

در بخش اعظم تاریخ انسان معدودی از انسان‌ها از جمله قدیسان و عارفان‌اند که عامداً به دلایل مذهبی گرسنگی پیشه کرده‌اند. بی‌اشتهایی اما هیچ ربطی به اعتقادات مذهبی ندارد و برآوردها حاکی است حدود ۹۰ درصد مبتلایان به بی‌اشتهایی زنان‌اند.<sup>۲</sup>

بی‌اشتهایی اولین بار در ۱۸۷۴ در فرانسه بیماری تشخیص داده شد ولی تقریباً تا چهل سال گذشته نادر بود.<sup>۳</sup> ولی رفته رفته همراه با بیماری پراشت‌هایی روانی (خوردن تا خرخره و عامداً بالا آوردن) شیوع پیدا کرده است. بی‌گمان بی‌اشتهایی را بیماری جسمانی ناشی از علل بیولوژیکی یا جسمی در نظر می‌گیریم ولی تحقیقات نشان داده فشار منزلت اجتماعی برای لاغر شدن و داشتن بدن «جذاب» نیز نقش مهمی دارد.

در اکثر جوامع ماقبل مدرن اندام مطلوب زن در واقع بدن چاق بود و لاغری اصلاً مطلوب به حساب نمی‌آمد چه نشانه کمبود غذا و لاجرم مبین فقر بود. منزلت اجتماعی «لاغری» پایین بود و از این رو کسی در پی آن نبود. حتی در اروپای قرن شانزدهم و هفدهم هنوز شکل مطلوب زن متناسب بودن اندام بود. خوش‌هیکلی و فربهی زنان در نقاشی‌های

<sup>۱</sup> برگرفته از فصل یازدهم کتاب «جامعه‌شناسی» نوشته‌ی آنتونی گیدنز و فیلیپ ساتن، ترجمه‌ی هوشنگ نایی

<sup>۲</sup> Lask and Bryant Waug 2000

<sup>۳</sup> Brown and Jasper 1993

این دوره حیرت‌انگیز است. به عنوان مثال ونوس خدای عشق و زیبایی در نقاشی روبنز در ۱۶۱۳ زنی با هیكلی تنومند و بدنی نسبتاً چاق است. ارزش والای سنتی برای چاقی هنوز هم در برخی فرهنگ‌ها مشاهده می‌شود.

آرمان لاغری به مثابه اندام مطلوب زن در اواخر قرن نوزدهم در میان طبقه متوسط پا گرفت ولی در قرن بیستم به طور عام به کمال مطلوب اجتماعی زنان تبدیل گشت. گسترش تصویر غربی «زن زیبا» از سوی رسانه‌ها در سراسر جهان با بیماری‌های آن نیز همراه بود.

در ژاپن بیماری بی‌اشتهایی اولین بار در دهه ۱۹۶۰ گزارش شد که زمان رشد اقتصادی سریع و ادغام ژاپن در اقتصاد جهانی بود. اکنون بی‌اشتهایی در یک درصد زنان ژاپنی وجود دارد که تقریباً مشابه نسبت بی‌اشتهایی زنان در آمریکا است. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مشکلات کم‌خوری دامنگیر زنان جوان عمدتاً مرفه هنگ‌کنگ و سنگاپور و همچنین مناطق شهری تایوان و چین و فیلیپین و هند و پاکستان نیز شده است.<sup>۴</sup> نشانه‌های فزاینده‌ای نیز از این بیماری در آرژانتین و مکزیک و برزیل و آفریقای جنوبی و کره جنوبی و ترکیه و ایران و امارات متحده گزارش می‌شود.<sup>۵</sup> برخی جامعه‌شناسان بر پایه این تحولات افزایش سریع بیماری کم‌خوری و پرخوری را ناشی از گسترش سبک زندگی مدرن در سراسر جهان می‌دانند.<sup>۶</sup> در بریتانیا میزان شیوع بی‌اشتهایی در میان زنان جوان ۱ تا ۲ درصد و پرخوری روانی ۱ تا ۳ درصد است. بیشترین برآورد حاکی از ۱/۱ میلیون مبتلابه بی‌اشتهایی است.<sup>۷</sup> در گزارش مطالعه‌ای در مدسکیپ جنرال مدیسین<sup>۸</sup> میزان شیوع پرخوری روانی در زنان کشورهای غربی بین ۰/۳ تا ۷/۳ درصد است و در کشورهای غیر غربی بین ۰/۵ تا ۳/۲ درصد.

بار دیگر چیزی که مشکل کاملاً شخصی می‌نماید و مشکل فرد با غذا خوردن و اندامش است مسئله عمومی از آب درآمده است. اگر به انواع مخاطره‌آمیز بی‌اشتهایی برای جان انسان‌ها رژیم غذایی گسترده و نگرانی درباره ظاهر و اندام را هم بیفزاییم حالیا بیماری‌های مربوط به خوردن جزئی از زندگی میلیون‌ها انسان در سراسر جهان است.

<sup>4</sup> Eform 1997

<sup>5</sup> Nasser 2006

<sup>6</sup> SL 2001

<sup>7</sup> Eating Disorders Association 2007

<sup>8</sup> Makino et al 2004

رشد سریع بیماری‌های مربوط به خوردن پای عوامل اجتماعی را به عرصه تندرستی نیز کشانده است. حوزه‌ای که جامعه‌شناسی بدن خوانده می‌شود کند و کاو نحوه تأثیر عوامل اجتماعی بر بدن ماست و بسیاری محققان رویکرد تعبیرگرایی اجتماعی را در پیش گرفته‌اند که بر نحوه شکل‌گیری معنا در تعامل اجتماعی تکیه می‌کند. همه ما انسان‌ها بدن داریم ولی این بدن خارج از روابط اجتماعی نیست. بدن ما عمیقاً متأثر از تجربه اجتماعی ما و هنجارها و ارزش‌های گروه‌های ماست و به وسیله آن شکل می‌گیرد. اما برعکس تعامل اجتماعی هم گفت و گویا گفتار صرف نیست. تعامل اجتماعی هم در قالب بدن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر تعامل متضمن انسان مادی است که از بدن استفاده می‌کند و زبان بدنی و حالت بدن دیگران را می‌خواند و جهان را به مثابه محیطی مادی و نیز واقعیتی اجتماعی احساس می‌کند.

### تفکر خلاق

چرا بیماری‌های مربوط به خوردن اساساً دامنگیر زنان است تا مردان؟ با توجه به سطح برابری جنسیتی بالاتر نسبت به گذشته آیا این نوع بیماری در میان مردان جوان نیز زیاد خواهد شد؟ دولت برای جلوگیری از رشد بیماری‌های مربوط به خوردن چه سیاستی باید اعمال کند؟

### مزرعه‌ی «چاق کردن زنان»

چاقی در میان مردم سفید پوست عرب مغربی موریتانیا آنقدر تکریم می‌شود که گاه دختران را مجبور می‌کنند تا جایی که دولت مرز «خطر زندگی» تعیین کرده چاق شوند. یک نسل پیش یک سوم زنان کشور مجبور بودند مثل بچه‌ها غذا بخورند. موریتانیا از معدود کشورهای آفریقایی است که به طور متوسط به دختران بیش از پسران غذا می‌دهند. امروز اما فقط یک دهم دختران چنین وضعی دارند منشأ این رفتار این است که چاقی نشانه ثروتمند بودن به شمار می‌آید. اگر دختری لاغر باشد پس فقیر است و ارزش ندارد.

[...]

فیتمتو زن پرکار شصت ساله در شهر آترا به برنامه جهان امروز سرویس جهانی بی بی سی می گوید: «وادارشان می کنم کلی خرما بخورند. یک عالم کاسکاس [غذایی از گندم] و غذاهای مقوی دیگر».

گو این که هنگام ملاقاتم با فیتمتو هنوز کلینیک ندارد می گوید به زودی مسئولیت چند دختر هفت ساله به وی سپرده می شود. فیتمتو توضیح می دهد: «آن ها را وادار می کنم مرتب بخورند. سپس یک عالم آب می نوشند. صبح همه را وادار می کنم این کارها را بکنند. سپس کمی استراحت می کنند. بعد از ظهر دوباره شروع می کنیم. روزی سه بار این کار را انجام می دهیم. صبح و ظهر و عصر».

### تنبیه

فیتمتو می گوید در آخر کار وزن دخترها به ۶۰ تا ۱۰۰ کیلوگرم می رسد: «با چند لایه چربی». او می گوید کمتر پیش می آید که دختری از خوردن امتناع کند و اگر امتناع کرد از والدین کمک می گیرد: «دخترشان را تنبیه می کنند و سرانجام دختر می خورد. اگر دختری امتناع کرد به نرمی می گویم بیا جانم بیا جانم تا بالاخره قبول کند».

فیتمتو اذعان می کند که گاهی دخترها گریه می کنند: «البته که گریه می کنند. جیغ می کشند. آن ها را می گیریم و به زور می خورانیم. اگر خیلی گریه کنند گاهی یکی دو روز ولشان می کنیم. سپس کارمان را از نو آغاز می کنیم. بالاخره عادت می کنند». وی می گوید آخر الامر سپاسگزار می شوند: «وقتی بچه اند نمی فهمند ولی وقتی بزرگ شدند چاق و زیبا می شوند».

[...]

### تحول

با این همه اینک این اعتقاد که دختر چاق مطلوب تر است قدیمی به شمار می آید. مطالعه وزارت بهداشت موریتانیا حاکی است تغذیه اجباری رفته رفته منسوخ می شود. حال فقط ۱۱ درصد دختران جوان را وادار به پرخوری می کنند لیلا زنی از شهر باستانی شینگوتی که خود در کودکی مجبور به پرخوری شده می گوید «حالا مردم دیگر آن طور فکر نمی کنند. به طور سنتی زن چاق نماد ثروت بود. اکنون دیدگاه دیگری و معیار دیگری برای زیبایی داریم. ما جوانان امروز موریتانیا علاقه نداریم به منزله نماد زیبایی چاق شویم. امروز زیبا بودن طبیعی بودن است. معمولی خوردن است».

برخی مردان نیز اشتیاق چندانی به داشتن زن چاق ندارند که بازتاب تغییر در جامعه است. یوسف مغازه دار نوزده ساله می گوید «اینجا به زنان چاق حساسی غذا داده ایم. همیشه زن چاق! حال زن لاغر می خواهیم. در موریتانیا اگر زنی واقعاً قصد ازدواج دارد باید لاغر بماند. خوب نیست چاق شود. بعضی دخترها از من می پرسند باید چاق

شوند یا لاغر بمانند. من به آن‌ها می‌گویم اگر مرد می‌خواهید مرد موریتانیایی یا اروپایی لاغر بمانید. برای تان بهتر است. البته آدم‌هایی هم هستند که هنوز دختران چاق را دوست دارند».

مأخذ: Harter 2004

اما چرا بیماری‌های مربوط به خوردن اساساً سخت‌دامنگیر زنان و خاصه زنان جوان می‌شود؟ البته همه مبتلایان بدین نوع بیماری‌ها زن نیستند و در کل جهان حدود ۱۰ درصد مبتلایان مردان‌اند<sup>۹</sup> اما شمارشان بسیار کمتر از زنان است. یکی از دلایل این امر این است که هنجارهای اجتماعی سخت بر اهمیت جذابیت جسمی زنان تأکید دارد تا مردان. دلیل دیگر این که تصویر اندام مطلوب مرد از زن متفاوت است. هر چند تصویری که از مرد در مجلات و تبلیغات عرضه می‌شود جنبه جنسی دارد بیشتر ترکیبی از لاغری و ورزیدگی است. با کمرنگ شدن شغل‌های سنتی مردان و گسترش سریع مشاغل خدماتی و ورزیدگی کماکان نماد نیرومند مردانگی است ولی بدن فرد جنبه‌ای از زندگی است که مردان کماکان اختیار آن را در دست دارند.<sup>۱۰</sup>

جون جیکیز برومبرگ<sup>۱۱</sup> بر اساس رژیم غذایی دختران نوجوان آمریکایی ظرف دو قرن گذشته نشان می‌دهد پاسخ دختران امروز به پرسش «من کیستم؟» و «می‌خواهم چه کسی باشم؟» از پاسخ یک قرن پیش فاصله گرفته و بیشتر حول و حوش بدن می‌چرخد. وی بدین نتیجه می‌رسد که پروژه اصلی بسیاری از دختران و زنان جوان آمریکایی که در معرض تصویر مطلوب دم به دم رسانه‌ها قرار دارند اندام زنانه لاغر است. بی‌اشتهایی و سایر بیماری‌های خوردن بازتاب این واقعیت هم هست که زنان نسبت به گذشته نقش بسیار بزرگتری در جامعه ایفا می‌کنند ولی به همان اندازه که بر حسب دستاوردها و موفقیت‌هایشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند همچنان بر حسب ظاهرشان هم مورد قضاوت قرار می‌گیرند. سرچشمه بیماری‌های خوردن احساس شرم نسبت به بدن است. انسان احساس می‌کند شایسته و کامل نیست و نگرانی از تصور دیگران از وی به کانون احساسش به بدنش تبدیل می‌گردد. بدین ترتیب آرمان لاغری و سواس گونه می‌شود و کم کردن وزن وسیله‌ای می‌گردد که باعث می‌شود به انسان حس تسلط داشتن دست بدهد.

<sup>9</sup> Nasser 2006

<sup>10</sup> Elliott and Elliott 2005

<sup>11</sup> Brunberg 1997